

Analysis of critical discourse of distributive justice in the Alavi tradition based on letter 53 of Nahj al-Balaghah

Mojtaba Garavand^{*}, Ali Mohammad Valavi^{}**

Zahra Nazarzadeh^{*}**

Abstract

Proper distribution of resources among different communities (distributive justice) has long been a cause of concern among political leaders, thinkers and theorists.

This article aims to analyze the methods of distribution of resources among different social groups by Imam Ali (AS) and questions on what his discourse of distributive justice is based on.

Explaining this question using Norman Fairclough's theory of critical discourse analysis, the article examines the sermon or speech in relation to socio-political and cultural factors and inspects the reflection of ideology and power in discourses. It also investigates how discourses are oriented in stabilizing or changing the existing political situation, which is acceptable. (Norman Fairclough is an emeritus professor of linguistics at the department of linguistics and English language at Lancaster University.)

The outcome of this investigation shows that Imam Ali (AS) had proposed five methods for the appropriate distribution of wealth and income:

* Assistant Professor of Islamic History, Lorestan University, garavand.m@lu.ac.ir

** Professor of Islamic History, Al-Zahra University, v.am144@yahoo.com

*** PhD student in Islamic History, Al-Zahra University (Corresponding Author),
Nazarzadehzahra811@gmail.com

Date received: 2021/04/30, Date of acceptance: 2022/11/19



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

1. Identification of the social status of different branches and levels of communities.

2. Increase the distribution of wealth and income to low level communities and reduce them for the high level communities.

3. Distribution should be based on the amount of effort put in by individuals and their merit.

4. Transfer of taxes to the public sector.

5. Paying attention to public interests. The end result is that economic and social benefits must be rationally organized in a way that benefits every individual. The well-being of no single person should be lower than the general level of society, and that wealth and income need not be equal, rather, it should be to the benefit of all, because injustice is the same inequality that does not benefit everyone.

Keywords: Imam Ali (AS), distributive justice, critical discourse analysis, letter 53 of Nahj-al Balaghah.

تحلیل گفتمان انتقادی عدالت توزیعی در سیره علوی(ع) با تکیه بر نامه ۵۳ نهج البلاغه

مجتبی گراوند*

علی محمد ولوی**، زهرا نظرزاده***

چکیده

توزیع منابع در میان گروه‌های مختلف اجتماعی (عدالت توزیعی) از دیرباز دغدغه رهبران سیاسی، متفکران و نظریه پردازان بوده است. مقاله پیش رو قصد دارد شیوه‌های توزیع منابع در میان گروه‌های مختلف اجتماعی توسط امام علی(ع) را مورد تحلیل قرار داده و به این پرسش پاسخ دهد که گفتمان عدالت توزیعی امام علی(ع) بر چه شیوه‌هایی استوار است؟ تبیین پرسش مذکور با استفاده از نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف که گفتمان را در ارتباط با عوامل سیاسی-اجتماعی و فرهنگی تحلیل و به بررسی بازتاب ایدئولوژی و قدرت در گفتمان‌ها و بررسی چگونگی جهت‌گیری گفتمان‌ها در تثبیت یا تغییر وضعیت سیاسی موجود می‌پردازد، امکان پذیر است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که امام علی(ع) پنج شیوه برای توزیع مناسب ثروت و درآمد پیشنهاد نموده‌اند: ۱. افزایش شناسایی موقعیت اجتماعی سرشاخه‌ها و سطوح مختلف بهزیستی گروه‌ها. ۲. افزایش توزیع ثروت و درآمد در سطوح پائین اجتماع و کاهش آن در سطوح بالای اجتماع. ۳. توزیع به میزان تلاش و استحقاق افراد. ۴. انتقال مالیات‌ها به بخش عمومی. ۵. توجه به

* استادیار تاریخ اسلام دانشگاه لرستان، garavand.m@lu.ac.ir

** استاد تاریخ اسلام دانشگاه الزهرا (س)، v.am144@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه الزهرا (س) (نویسنده مسئول)،

Nazarzadehzahra811@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۹



منفعت همگانی. نتیجه آنکه مزایای اقتصادی و اجتماعی باید به گونه ای معقول ساماندهی شوند که به سود همگان باشند و رفاه هیچ فردی از افراد جامعه نباید از سطح عمومی جامعه پائین تر باشد و نیازی نیست که ثروت و درآمد حتما برابر باشد، بلکه تنها باید به سود همگان باشد زیرا بی عدالتی همان نابرابری هائی است که به سود همگان نیست.

کلیدواژه‌ها: امام علی(ع)، عدالت توزیعی، نامه ۵۳ نهج البلاغه، تحلیل گفتمان انتقادی.

۱. مقدمه

عدالت توزیعی پایه ای ترین موضوع اقتصاد هنجاری (Normative Economic) است (عیوضلو ۱۳۸۴: ۸۴-۸۵). تمرکز اصلی عدالت توزیعی (Distributive Justice) بر روی نتایجی است که افراد یا گروه ها نسبت به افراد یا گروه های دیگر دریافت می کنند، یعنی هدف اصلی توزیع منابع بین افراد یا گروه ها، تأمین نیازهای اساسی برای همگان و تقلیل نابرابری ها در درآمد و ثروت (کاهش فاصله طبقاتی) است و آن مبتنی بر سه اصل اساسی ۱. نیاز ۲. انصاف (که خود مبتنی بر سه اصل فرعی تلاش، توانائی، عملکرد و بهره وری است) ۳. مساوات (مبتنی بر سه اصل فرعی مساوات نتایج، مساوات فرصت، مساوات رفتار است) (Tomblom, 1985-1987: 25-30, 52). چگونگی توزیع منابع بین گروه های مختلف جامعه به گونه ای که هم نابرابری ها را تقلیل دهد و هم رضایت عمومی را در پی داشته باشد و دغدغه ای است که از دیرباز در جوامع وجود داشته و رهبران و حاکمان سیاسی را به چالش کشیده است و امروزه نیز با شدت بیشتری ادامه دارد و این مسئله همواره منبع و منشأ تعارض های اجتماعی، دو قطبی شدن جوامع (فقیر، غنی) و در برخی موارد هم منشأ جنبش ها بوده است. برای همین این موضوع در طول تاریخ هم دغدغه رهبران و حاکمان سیاسی و هم متفکران و نظریه پردازان بوده است و آنان را ناگزیر به ارائه مدل ها و طرح هائی نموده است و حتی مکاتبی برای برطرف نمودن نابرابری های اجتماعی - اقتصادی ایجاد نموده اند.^۱

این مقاله با هدف طرح الگوی کارآمد عدالت توزیعی در سیره علوی (ع) انجام شده است. در ارتباط با موضوع مقاله پژوهش هایی انجام شده است. از میان آثار خارجی می توان به «تئوری عدالت» جان راولز اشاره کرد که با دیدگاهی لیبرالیستی نوشته شده است (راولز، ۱۳۹۰: ۱-۲۰). در ایران پژوهش هایی همچون: «ساختار تعاملات مدیریتی حاکمان از

رهگذر و تحلیل محتوای نامه ۵۳ نهج البلاغه (اولادقباد، فتاحی زاده) در این پژوهش با روش تحلیل محتوا و به صورت کیفی و توصیفی، مفاهیم این عهدنامه واکاوی شده است. این پژوهش شاخصه های تعاملی حاکمان، ضابطه های گزینش کارکنان و تنبیه کارکنان خیانتکار بررسی شده. «مدیریت اسلامی براساس اندیشه های امام علی (ع) استخراج الگوی مدیریتی براساس نامه ۵۳ کتاب نهج البلاغه» (تهرانی و دیگران، ۱۳۹۷، ۵۹) این تحقیق در جستجوی یافتن شیوه مدیریت بر مبنای افکار و اندیشه های اسلامی و تأثیر آن بر سازمان ها و تفاوت آن با سایر مکاتب مدیریتی انجام گردیده است. بر اساس این تحقیق، مدل و الگوی مدیریت اسلامی طبق اندیشه های امام علی (ع) دارای سه بخش ارزش های بنیادین، رسالت ها و اهداف پارادایمیک، فرآیندها و اصول اجرایی می باشد. «مدیریت عمومی مبتنی بر نهج البلاغه نامه ۵۳» (امیری، ۱۳۹۴، ۹۰۷) هدف این تحقیق کاوش در نهج البلاغه به ویژه نامه ۵۳ بوده است تا به طراحی الگوی مدیریت عمومی اقدام کند با روش تحلیل محتوا و در پایان به الگوی پنج بعدی (ارکان، ابعاد، روش ها، ماهیت و انواع) دست یافته است. در این الگو وظایف زمامدار، مردم و کارکنان بررسی شده است. «دسته بندی ها و طبقات مختلف جامعه از دیدگاه اسلام با تکیه بر نامه امام علی (ع) به مالک اشتر» (۱۳۸۹، ۱) این پژوهش به بررسی سه نوع دسته بندی بر اساس دین افراد، بر اساس اصناف و بر اساس عوام و خواص را بررسی کرده است اما عدالت توزیعی و تحلیل گفتمان این نامه مورد توجه نبوده است. «قشر بندی اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع)» (خان محمدی، ۱۳۷۹، ۱۵۰) این پژوهش ملاک محوری عدالت را شایستگی طبیعی افراد می داند و دیدگاه امام علی (ع) در زمینه عدالت را جمع دیدگاه های کمونیسم و لیبرالیسم دانسته است و متن نامه ۵۳ مورد توجه این اثر نبوده است. پژوهش های دیگر عبارتند از: «روش شناسی اقتصاد اسلامی براساس عملکرد اقتصادی امام علی (ع)» (علم الهدی، ۱۳۹۵: ۱۰۱)، که عملکرد اقتصادی امام علی (ع) را بررسی نموده و به مقوله هایی چون توزیع امکانات اجتماعی، رعایت عادلانه قوانین، تکریم انسان ها اشاره کرده است اما تحلیل انتقادی نامه ۵۳ نهج البلاغه مورد توجه وی نبوده است. «نقش مبنایی عدل در امامت علوی» (صانع پور، ۱۳۹۴، ۸۱) تنها به ریشه یابی اصل اعتقادی عدل پرداخته است. «رهنمودهای حاصل از عهدنامه مالک اشتر برای تنظیم خط مشی ارتباطی حکومت ها با شهروندان» (جبارلوی شبستری، ۱۳۸۹، ۴۳) ارتباط حکومت با مردم دغدغه این تحقیق بوده است و نه عدالت توزیعی و هیچکدام از آثار نامبرده با روش تحلیل گفتمان انتقادی صورت نگرفته است. بر اساس نظریه گفتمان انتقادی فرکلاف می توان در

تحلیل نامه ۵۳ نهج البلاغه سه سؤال اساسی را مطرح کرد: این نامه در سطح توصیف دارای چه ویژگی‌های زبان شناختی است و کلمات، عبارات و جملات چگونه استفاده شده است؟ در سطح تفسیر این سؤال مطرح است که این نامه با گفتمان‌های دیگر چه ارتباطی دارد و چگونه به ستیز و مبارزه با گفتمان‌های موجود می‌پردازد؟ در سطح تبیین بررسی می‌شود که این نامه در مناسبات قدرت و ایدئولوژی چه رویکردی دارد؟ در این مقاله چگونگی نگرش امام علی (ع) به مقوله عدالت توزیعی، تجزیه و تحلیل می‌شود تا تلاش آن حضرت (ع) جهت رفع نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی و ایجاد رضایت همگانی در جامعه بهتر ترسیم گردد.

۱.۱ جامعه مورد مطالعه و روش تحقیق

تحلیل گفتمان انتقادی از روشی ترکیبی و مفاهیم زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی استفاده می‌کند (وندایک، ۲۰۰۱: ۲۵۳) و وظیفه اش کشف آثار و نشانه‌های ایدئولوژیک در متن هاست (ویدو سون، ۱۳۹۴: ۶۷).

یکی از ابزارهای تحلیل گفتمان انتقادی، اسناد و متون (شنیداری، نوشتاری و...) است. جامعه آماری این تحقیق شامل متن سخنان امام علی (ع) می‌باشد که حتی دشمنان ایشان چون معاویه بن ابی سفیان به استواری روش و بیش ایشان اعتراف کرده اند (ثقفی کوفی، ۱۳۹۵/۱۹۷۵: ۱۲۸-۱۲۹). روش نمونه‌گیری تحقیق به صورت هدفمند (غیرتصادفی) بوده است. نمونه تحقیق نیز شامل متن نامه ۵۳ امام علی (ع) است. که در سال ۳۸ ق به مالک بن حارث‌اشتر نخعی نوشته است و بیشترین حجم اطلاعات را در زمینه اقتصاد، رعیت پروری، آداب مملکت داری توسط دولتمردان را داراست (برای این پژوهش تمام نامه مورد نظر نیست بلکه تنها قطعاتی که در ارتباط با عدالت توزیعی است به تفکیک گزاره انتخاب شده است). در این دوره تبعیض و بی‌عدالتی و مسائل اجتماعی ناشی از آنها برجسته و چشمگیر بود که امام علی (ع) در این دوره بیش از هر زمان دیگری با زبان قدرت روش توزیع متناسب را بیان و گفتمان خود را بر آن اساس شکل دادند. بدین جهت این مقطع زمانی به عنوان دوره مورد مطالعه تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در تحلیل نامه ۵۳ از رهیافت زبان‌شناسی انتقادی گفتمان استفاده شده است. زیرا زبان‌شناسان متون را در جهت اهداف سیاسی تحلیل می‌کند و بر این باورند که زبان و

ایدئولوژی پیوند تنگاتنگی با هم دارند. تحلیل انتقادی گفتمان، نظریه‌ها و روش‌هایی برای مطالعه تجربی روابط بین گفتمانی و تحولات فرهنگی-اجتماعی در قلمروهای مختلف اجتماعی ارائه می‌دهد و در کل بر این نکته اتفاق نظر دارد که از توصیف زبانی باید فراتر رفت تا بتوان به تبیین دست یافت و نشان داد که نابرابری‌های اجتماعی در زبان خلق و در زبان منعکس می‌شوند. آنها معتقدند با کمک این رویکرد می‌توان نابرابری‌های اجتماعی را کشف کرد و شرایط آنها را تغییر داد (سلطانی، ۱۳۸۰: ۳۱). بنابراین آنها از مفاهیم سه گانه "انتقادی"، "ایدئولوژی" و "قدرت" استفاده می‌کنند (Fairclough, 1993: 67; Ibid, 1992: 66). تحلیل انتقادی گفتمان خود را از لحاظ سیاسی بی‌طرف نمی‌داند، بلکه خود را رهیافتی انتقادی و رهایی بخش می‌داند که از لحاظ سیاسی متعهد به ایجاد تغییرات اجتماعی است و از گروه‌های ستم دیده و مظلوم اجتماعی حمایت می‌کند (بورگسن و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۱۰-۱۱۵).

فرکلاف از جمله زبان‌شناسان انتقادی است که سعی دارد تغییرات اجتماعی را توسط تحلیل گفتمان مورد بررسی قرار دهد. تفاوت عمده رویکرد انتقادی فرکلاف (به طور کلی تحلیل گفتمان انتقادی) با نظریه گفتمان پساساختارگرایی این است که در تحلیل گفتمان انتقادی، گفتمان صرفاً یک پدیده سازنده نیست بلکه در عین حال محصول سایر پدیده‌ها نیز به شمار می‌آید. نکته محوری رویکرد فرکلاف این است که گفتمان گونه مهمی از پرکتیس اجتماعی است که دانش، هویت‌ها و روابط اجتماعی از جمله مناسبات قدرت را باز تولید کرده و تغییر می‌دهد و هم‌زمان سایر پرکتیس‌ها و ساختارهای اجتماعی به آن شکل می‌بخشند. به این ترتیب، گفتمان رابطه‌ای دیالکتیکی با سایر ابعاد اجتماعی دارد. فرکلاف ساختار را روابط اجتماعی در کل جامعه و نهادهای خاص و در عین حال متشکل از عناصر گفتمانی و غیرگفتمانی می‌داند (Fairclough, 1992: 64).

رویکرد فرکلاف نوعی تحلیل گفتمان متن محور است که تلاش می‌کند سه سنت را با یکدیگر تلفیق کند. ۱. تحلیل مفصل و دقیق متن در حوزه زبان‌شناسی ۲. تحلیل جامعه‌شناختی کلان پرکتیس اجتماعی. ۳. سنت تفسیری و خرد در جامعه‌شناسی (Ibid, 79).

فرکلاف از مفهوم گفتمان به سه معنای متفاوت استفاده می‌کند: ۱. گفتمان در انتزاعی‌ترین شکل خود به کاربرد زبان به مثابه پرکتیس اجتماعی اشاره دارد یعنی گفتمان هم‌سازنده و هم‌محصول سایر پدیده‌هاست. ۲. گفتمان نوعی کاربرد زبان در یک حوزه خاص

است. ۳. گفتمان به روش سخن‌گفتنی اتلاق می‌شود که به تجربیات برآمده از یک منظر خاص معنا می‌بخشد. پس گفتمان سه کارکرد دارد: کارکرد هویتی، کارکرد رابطه‌ای و کارکرد فکری. در روش فرکلاف هر رویداد گفتمانی دارای سه بعد است: متن، کردار گفتمانی، کردار اجتماعی. فرکلاف فرایندی را که مرتبط با تحلیل متن است «توصیف» و فرایند مرتبط با تحلیل کردارگفتمانی را «تفسیر» و فرایند تحلیل کردار اجتماعی را «تیین» می‌نامد (Ibid, 73). از اینرو در مرحله توصیف با تمرکز بر واژه‌ها و وجوه دستوری به تحلیل زبان شناختی متن می‌پردازد. فرکلاف در مرحله تفسیر معتقد است که متن در زمینه‌ای تولید و تفسیر می‌شود که گفتمان‌های دیگری تسلط دارند و تیین گفتمان را به عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند. در این مرحله، متن به عنوان بخشی از یک فرایند فعالیت اجتماعی محسوب می‌شود. تیین نشان می‌دهد که گفتمان‌ها چه تأثیرات بازتولیدی می‌توانند بر ساختارها بگذارند، تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها شود. برای اجرای مراحل سه‌گانه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، ابتدا قطعاتی از متن نامه که مرتبط با موضوع این پژوهش است را تفکیک و مقوله‌بندی کرده ایم به شرح جدول ذیل:

جدول ۱: قطعات معنایی انتخاب شده از متن نامه ۵۳ نهج البلاغه

توزیع بر مبنای ارزش های دینی و ایدئولوژیک	تعیین موقعیت اجتماعی سرشاخه ها و سطوح مختلف معیشتی	توزیع بر حسب استحقاق و کار و تلاش
<p>۱. هذا ما أمر به عبدالله على أمير المؤمنين، مالك بن الحارث الأشتر في عهده إليه، حين ولاء مصر: جبایه خراجها، و جهاد عدوها، و استصلاح أهلها، و عماره بلادها. ۲. أمره بتقوى الله و ايتار طاعته و اتباع ما امر به في كتابه من فرائضه و سننه. ۳. ثم أعلم يا مالك أني قد وجهتك الى بلاد قد جرت عليها دول قبلك من عدل و جور و أن الناس ينظرون من امورك في مثل ما كنت تنظر فيه من امور الولاية قبلك و يقولون فيك ما كنت تقول فيهم، وانما يستدل على الصالحين بما يجزى الله لهم السن عبادته. ۴. وأشعر قلبك الرحمة للرعية و المحبة لهم و اللطف بهم و لا تكونن عليهم سبعا ضاريا. ۵. و كل قد سمى الله له سهمه. ۶. و وضع على حده فريضة في كتابه أو سنه نبيه (ص) عهدا منه عندنا محفوظا. ۸. ألا و إن بليتكم قذاعات كهيتتها يوم بعث الله نبيه (ص) ۹. ظهور موده الرعية و إنه لا تظهر مدتهم إلا بسلامه و صبورهم و لا تصح نصيحتهم إلا بحيطتهم على ولاء الامور و قلبه استتقال دولهم و ترك استبطاء انقطاع مدتهم.</p>	<p>۱۰. وأعلم أن الرعية طبقات لا يصلح بعضها إلا ببعض. ۱۱. ولا غنى ببعضها عن بعض. ۱۲. فمنها جنود الله و منها كتاب العامه و الخاصه و منها قضاء العدل و منها عمال الإنصاف و الرفق و منها اهل الجزية و الخراج من أهل الذمه و مسلمه الناس و منها التجار و أهل الصناعات و منها الطبقة السفلى من ذوى الحاجه و المسكنه. ۱۳. فالجنود بإذن الله حصون الرعية و زين الولاية و عز الدين و سبل الأمن و ليس تقوم الرعية إلا بهم. ۱۴. ثم لا قوام للجنود إلا بما يخرج الله لهم من الخراج الذى يقوون به على جهاد عدوهم و يعتمدون عليه فيما يصلحهم و يكون من وراء حاجتهم. ۱۵. ثم لا قوام لهذين الصنفين إلا بالصنف الثالث من القضاء و العمال و الكتاب لما يحكمون من المعاهد و يجمعون من المنافع و يؤتمنون عليه من الخواص الامور و عوامها. ۱۶. و لا قوام لهم جميعا إلا بالتجارة و ذوى الصناعات فيما يجتمعون عليه من مراقبهم و يقيمونه من أسواقهم و يكفونهم من الترفق بأيديهم ما لا يبلغه رفق غيرهم.</p>	<p>۱۷. ثم أعرف لكل أمرى منهم ما أبلى. ۱۸. و لا تضمن بلاء أمرى الى غيره. ۱۹. و لا تقصرن به دون غايه بلائه. ۲۰. و لا يدعونك شرف أمرى إلى أن تعظم من بلائه ما كان صغيرا و لا ضعه أمرى الى أن تستصغر من بلائه ما كان عظيما. ۲۱. إن هذه المال ليس لى و لا لك و إنما هو فى ء للمسلمين و جلب أسيافهم فإن شركتهم فى حربهم كان لك مثل حظهم و إلا فجناه أيدىهم لا تكون لغير أفواهم. ۲۲. فأسفع فى أمالهم و اصل فى حسن الثناء عليهم و تعديد ما أبلى ذو و البلاء منهم فإن كثره الذكر لحسن أفعالهم تهز الشجاع و تحرض الناكل.</p>

رضایت و مصلحت عمومی	افزایش سطح ثروت و درآمد در سطوح پائین و کاهش درآمد گروه های برخوردار	انتقال مالیات ها به بخش عمومی
<p>٣٥. <u>ولیکن أحب الامور إلیک أوسطها فی الحقّ و أعمّها فی العدل و أجمعها لرضی الرعیه فإنّ سخط العامه یجحف برضی الخاصه و إنّ سخط الخاصه یغتفر مع رضی العامه. ٣٦. ثمّ أنّ للوالی خاصه و بطانه فیهم استنثار و تطاول و قلّه إِنْصاف فی معامله فاحسم مادّه اولئک یقطع أسباب تلك الأحوال و لا تقطن لأحد من حاشیتک و حامتک قطیعه و لا یطمعن منک فی اعتقاد عقده تضر بمن یدلها من الناس فی شرب أو عمل مشترک یحملون مؤونته علی غیرهم فیکون منها ذلک لهم دونک و عیبہ علیک فی الدنیا و الآخره. ٣٧. و إیاک والاستنثار بما الناس فیہ اسوه و التغابن عما تغنی به ممّا قد وضح للعیون فإنما مأخوذ منک لغیرک. ٣٨. و إنما عمادالدین و جماع المسلمین و العده للأعداء العامه من الامه فلیکن صغوک لهم و میلک معهم.</u></p>	<p>٢٨. <u>ثمّ الله الله فی طبقه السفلی من الذین لا حیلہ لهم و من المساکین و المحتاجین و أهل البؤسی و الزمّنی فإنّ فی هذه الطبقة قانعا و معترا. (إنّ الله فرض فی مال الأغنیاء أقوات الفقراء: فما جاع فقیر إلا بما متّع به غنیّ والله سألهم عن ذلك). ٢٩. واحفظ الله ما استحفظک من حقّه فیهم. ٣٠. واجعل لهم قسما من بیت مالک و قسما من غلات صوافی الاسلام فی کل بلد فإنّ لأقصى منهم مثل الذی للأدنی و کلّ قد استرعیت حقّه. ٣١. التّافه لأحكامک الکثیر المهم فلا تشخص همک عنهم و لا تصعّر خدک لهم و تفقد امور من لا یصل إلیک منهم ممّن تقتحمه العیون و تحقره الرجال ففرغ لاولئک تقتک من أهل الخشیه و التواضع فلیرفع إلیک امورهم ثمّ أعمل فیهم بالإعذار الی الله یوم تلقاه فإنّ هولاء من بین الرعیه أحوج الی الانصاف من غیرهم. ٣٢. و کلّ فأعذر الی الله فی تأدیة حقّه إلیه و تعهد أهل البیت و ذوی الرّقّه فی السنّ من غیرهم. لن تقدس امه لا یؤخذ للضعیف فیها حقّه من القوی غیر متّنع. ٣٣. ولتساطن سوط القدر حتّی یعود أسفلکم أعلاکم. ٣٤. و أعلاکم أسفلکم ولیسبقن سابقون كانوا قسّروا ولیقصرن سبّاقون كانوا سبّقوا.</u></p>	<p>٢٣. و تفقد أمر الخراج بما یصلح أهله. ٢٤. فإنّ فی صلاحه و صلاحهم صلاحا لمن سواهم و لا صلاح لمن سواهم إلاّ بهم. ٢٥. لأنّ الناس کأهم عیال علی الخراج و أهله. ٢٦. و لیکن نظرك فی عماره الارض أبلغ من نظرك فی استجلاب الخراج لأنّ ذلک لا یدرك إلاّ بالعماره؛ و من طلب الخراج بغير عماره أخرج البلاد و أهلک العباد و لم یستقم أمره إلاّ قليلا. ٢٧. فإنّ شکوا نقلا أو علّه أو إنقطاع شرب أو بآله أو إحاله أرض إغتمرها غرق أو أجحف بها عطش خففت عنهم بما ترجو أن یصلح به أمرهم و لا یثقلن علیک شیء خففت به المؤونه عنهم فإنه ذره یعودون ه علیک فی عماره بلادک و تزیین ولا ینتک مع استجلابک حسن ثنائهم و تبجحک باستفاضه العدل فیهم معتمدا فضل قوتهم بما ذخرت عندهم من اجمامک لهم و الثقه منهم بما عودتہم من عدلک علیهم و رفقت بهم فرّما حدث من الامور ما إذا عولت فیہ علیهم من بعد احتملوه طیبه أنفسهم به فإنّ العمران محتمل ما حملته و إنما یوتی خراب الارض من إعواز أهلها و انما یعوز أهلها...</p>

۲. توصیف متن

اولین سطح تحلیل در تئوری فرکلاف، سطح توصیف است (Fairclough: 1989, 89). در الگوی فرکلاف برای تحلیل گفتمان انتقادی، متن در مرکز است و محور تحلیل به شمار می رود (آقا گل زاده، ۱۳۹۰: ۱۹). نامه ۵۳ نهج البلاغه علاوه بر اهمیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، از نظر ادبی و بلاغی نیز یکی از نامه های برگزیده است.

واژه ها، مجازها، استعاره ها و جمله ها: هدف داری و اثربخشی واژه ها و جملات از ویژگی های گفتمان های سیاسی است. شرایط حساس اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در زمان صدور این نامه، سبب گردیده که امام علی(ع) از الفاظ و عباراتی استفاده کند که هدف اصلی این نامه را که تلاش برای ایجاد رضایت و منفعت همگانی و طرد و به حاشیه راندن گفتمان «مصلحت و رضایت خصوصی» در آن زمان بوده به روشنی بیان کند. انتخاب کلمات و عبارات مناسب بافت موقعیتی، یکی از ویژگی های نامه ۵۳ نهج البلاغه است. این حسن انتخاب در هر سه بخش آغاز، میانه و انتهای نامه وجود دارد. در ابتدای نامه اینگونه به مالک اشتر خطاب می کند:

هذا ما أمر به عبدالله علی امیرالمومنین، مالک بن الحارث الأشتر فی عهده الیه، حین ولاه مصر، ثم أعلم یا مالک، انی قد وجهتک الی بلاد قد جرت علیها دول قبلک، من عدل و جور، و أن الناس ینظرون من امورک فی مثل ما کنت تنظر فیه امور الولاة قبلک، و یقولون فیک ما کنت تقول فیهم، و انما یستدل علی الصالحین بما یرجى الله لهم علی ألسن عباده، و أشعر قلبک الرحمه للرعیه، والمحبه لهم، و اللطف بهم، ولا تکنون علیهم سبعا ضاریا (قطعات معنائی ۴،۳،۲،۱)

جمله اسمیه است که در ابتدای آن مالک اشتر را مورد خطاب قرار می دهد. به کارگیری چنین اسلوبی برای آغاز نامه در جلب توجه مخاطب و تأکید بر اهمیت موضوع نامه مؤثر است. ترکیب های «استصلاح أهله»، «عمارہ بلادها»، «بتقوی الله»، «ایشار طاعته»، «اتباع فی کتابه من فرائضه و سننه» علاوه بر بلاغی و استعاری بودن، از نظر ایدئولوژیکی و دینی بار معنائی دارند که بازگشت به دستورات قرآن کریم و سنت نبوی (ص) را متذکر می شود.

از نظر بلاغی اصطلاح «سبعا ضاریا» به معنی حیوان درنده ای که با قهر چیزی را می خورد. (ابن منظور، ۱۴۱۴.ه.ق: ۸/ ۱۴۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴.ه.ق: ۳/ ۳۹۷) ترکیبی وصفی و دارای تشبیه و استعاره ای است که شدت نگرش غنیمت شمردن ثروت و مال و دست انداختن به اموال مردم توسط حاکمان و فرمانروایان جامعه اسلامی آن زمان را نشان می دهد: «مبادا چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان (مردم) را غنیمت دانی» (ولا تکونن علیهم سبعا ضاریا) و به نفی گفتمان معطوف به مصلحت خصوصی می پردازد.

از ویژگی های دیگر این نامه، استفاده از کلمات متضاد است که علاوه بر ایجاد انسجام، دو قطبی بودن جامعه را از لحاظ وضعیت اقتصادی و اجتماعی نشان می دهد. این کلمات متضاد در بیشتر اجزای متن وجود دارد مانند: عام و خاص [العامة و الخاصة] (قطعه معنایی ۳۵)، طبقات بالا و طبقات پائین [أعلاکم: بلند کردن، بالابردن و أسفلکم: پایین تر، دون و پست] (بستانی، ۱۳۷۵: ۹۸؛ ازهری، ۱۴۲۱.ه.ق: ۱۲/ ۲۹۸؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۲/ ۲۲۵) (قطعه معنایی ۳۴)، بزرگ شمردن افراد کوچک و کوچک شمردن افراد بزرگ [شرف امری، ضعه امری] (قطعه معنایی ۲۰)، قوی و ضعیف [الضعیف، القوی] (قطعه معنایی ۳۲).

برخی از جملات هم دارای بار ایدئولوژیکی هستند و هم بار معنایی منفی دارند: «واحفظ لله ما استحفظک من حقه فیهم» (قطعه معنایی ۲۹)، «وضع علی حدّه فریضه فی کتابه او سنة نبیّه (ص)» (قطعه معنایی ۶) که اگر بر مبنای قرآن و سنت محمد (ص) عمل نشود تبعات منفی چون شورش مردم علیه حکومت، انتظار به سر رسیدن مدت حکومت، کینه در قلب مردم نسبت به حکومت (قطعه معنایی ۹) در بر دارد که امام علی (ع) به طور غیرمستقیم به اوضاع دوره خلیفه سوم و نارضایتی و شورش مردم علیه حکومت او اشاره می کند و در صورتی که حاکمان این رویه را ادامه دهند با چنین وضعیتی مواجه خواهند شد.

کاربرد هر کدام از انواع جمله در زبان عربی می تواند معنایی را به شنونده یا خواننده منتقل کند که از نظر تأکید و بار معنایی با شکل های دیگر جمله تفاوت دارد. بار معنایی جمله های اسمیه با جمله های فعلیه و جملات معلوم با مجهول متفاوت است و این تفاوت بلاغی و معنایی در کتاب های نحوی و بلاغی بیان شده است.

علی بن ابیطالب (ع) در میانه نامه نوشته اند: ۱. «إِنَّ لِلْوَالِيَّ خاصه و بطنه، فیهم استثنا و تطاول، و قلّه إنصاف فی معامله، فأحسم مادّه اولئک بقطع أسباب تلک الأحوال» (قطعه معنایی ۳۶)، ۲. «فَإِنَّ هَوْلَاءَ (طبقه السفلی) من بین الرعیه أحوج الی الإنصاف من غیرهم» (قطعه

تحلیل گفتمان انتقادی عدالت توزیعی ... (مجتبی گراوند و دیگران) ۳۰۳

معنائی (۳۱)، ۳. «فان سخط العامه یجحف برضی الخاصه» (قطعه معنائی ۳۵)، ۴. «وإن سخط الخاصه یغتفر مع رضی العامه» (قطعه معنائی ۳۵)، ۵. «وإنما عمادالدین، وجماع المسلمین، و العده للأعداء، العامه من الامه» (قطعه معنائی ۳۸). در جمله اول، حرف تأکید (إن) بر سر جمله اسمیه آورده شده است و در جمله های دیگر علاوه بر حرف تأکید (إن)، سه أدوات تأکیدی دیگر (ل، و، ف) بر سر جمله اسمیه آورده شده است. استفاده از الگوی جمله اسمیه و این تأکیدها نشانگر قاطعیت زیاد امام علی (ع) در عملی نمودن شیوه های مختلف اقتصادی برای اصلاح امور جامعه است. تعداد و انواع جملاتی که در این نامه استفاده شده در جدول زیر نشان داده شده است.

جمله	ماضی	مضارع	معلوم	مجهول	اسمیه	فعلیه	أمر	شرطی
تعداد	۳	۵۲	۲۳	۹	۱۷	۱۸	۱۹	۱۱

تحلیل انواع جمله در نامه ۵۳ نتایج زیر را نشان می دهد:

- استفاده از اسلوب أمر، نشانگر بیان جایگاه برتر حاکم در برابر مخاطب است. این فعل ها دارای معانی گوناگون (أمر، دستور، ترغیب و تشویق، ترساندن از عواقب اخروی، بازداشتن از امور خلاف قرآن و سنت) (قطعات معنائی ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸). استفاده کمتر از جمله های مجهول نسبت به جمله های معلوم از ویژگی های آن گروه از گفتمان های سیاسی است که قدرت و سلطه را در دست دارند.
- تعداد جملات اسمیه و فعلیه تقریباً برابر است. جمله های اسمیه در زبان عربی بار تأکیدی بیشتری نسبت به جمله های فعلیه دارند و چنانکه گفته شد در ابتدا، میانه و انتهای این نامه برای اقناع مخاطب و از بین بردن شک و تردید او و بیان قاطعیت مؤلف متن استفاده شده است. جملات فعلیه به سبب زمان مند بودن، دلالت بر تحرک و فعالیت دارند، به همین سبب برای عمل کردن مخاطب (مالک أكثر) به دستورات و رسیدگی به وضعیت اقتصادی مردم از زمان حال و آینده استفاده شده است.

استفاده از سجع در بخش های متعددی از این نامه سبب شده جملات و عبارات آهنگین شود و تأثیر آن بر مخاطب بیشتر گردد. نمونه های زیر از موارد به کارگیری سجع در نامه علی بن ابیطالب (ع) است: « ولیکن أحب الامور إلیک أوسطها فی الحق، به معنی میانه ترین در حق (طریحی، ۱۳۷۵: ۴/۲۷۸) و أعمها فی العدل، بدین معنی که عدالت باید جمع کثیری را پوشش دهد (ابن درید، ۱۹۸۸م: ۱/۱۵۷) و أجمعها لرضی الرعیه « به معنی همگی و تمام مردم (ابن منظور، ۱۴۱۴ه.ق: ۸/۵۳) (قطعه معنائی ۳۵)، « ثم الله الله فی الطبقة السفلی من الذین لا حيلة لهم و من المساکین و المحتاجین و أهل البؤسی و الزمنی، فإن فی هذه الطبقة قانعاً و معتراً» (قطعه معنائی ۲۸). در این قطعه «الطبقة السفلی» به گروه های فرودست اشاره دارد (زبیدی، ۱۴۱۴ه.ق: ۱۳/۲۸۳) که در ادامه به توضیح در خصوص این گروهها پرداخته است.

انسجام: انسجام یک مفهوم معنائی است که به روابط معنائی موجود در متن اشاره دارد و آن را به منزله متن از غیر متن ممتاز و مشخص می کند. ایجاد انسجام در متن با بکارگیری کلمات و ابزارهای دستوری انجام می شود که جملات را به یکدیگر پیوند می دهند. علاوه بر انسجام هائی که در شکل متن قابل تشخیص و تحلیل است و به لغات و ابزار ربطی بستگی دارد، میان مفاهیم و عبارات می توان به انسجام منطقی نیز اشاره کرد (Fairclough، ۱۹۸۹: ۱۳۱). برخی از عوامل انسجام در متن شامل ارجاع، تکرار، هم آوایی است که در نامه ۵۳ می توان مشاهده کرد.

- ارجاع

منظور از ارجاع، کاربرد انواع مختلف ضمیر در متن است. استفاده از ضمیرهای مفرد مذکر غایب «ک» و جمع مذکر غایب «هَم» و همین طور اسم اشاره جمع (دور، نزدیک) مانند (هولاء - اولئک) از عوامل انسجام در متن نامه ۵۳ است. در بخش آغازین این نامه رسمی، برای تأکید، تحکم و دستور به مخاطب از ضمیر (ک: تو) استفاده می کند «أنی قد وجهتک الی بلاد قد جرت علیها دول قبلک» (قطعه معنائی ۳)، «و أشعر قلبک الرحمة للرعیه» (قطعه معنائی ۴) و از ضمیر جمع مذکر غایب (هَم) برای عامه مردم استفاده کرده است «و تفقد أمر الخراج، بما یصلح أهله، فإن صلاحه و صلاحهم صلاحا لمن سواهم» (قطعه معنائی ۲۳، ۲۴)، «الطبقة السفلی من أهل الحاجة و المسکنة الذین یحقّ رفدهم و معوتتهم» (قطعه

معنائی ۱۲). تعداد ضمیر (هَم) برای جمع غایب (مردم) در متن نامه بسیار زیاد است و این اهمیت نقش عامه مردم در برنامه های اقتصادی امام علی (ع) را نشان می دهد. همچنین مؤلف متن برای گروه های کمتر برخوردار و نیازمند، اسم اشاره جمع نزدیک یا خودی «هولاء: اینان، اینها» و در مقابل برای گروه خواص و ثروتمند، اسم اشاره جمع دور یا غیرخودی «اولئک: آنان، آنها» را به کار می برد که برای ابراز همدلی و نزدیکی به عامه مردم و به حاشیه راندن خواص از این اسلوب استفاده نموده است. مانند: «فإنَّ هولاءَ (الطبقه السفلی) من بین الرعیه أحوج الی الإنصاف من غیرهم» (قطعه معنائی ۳۱)، «ثم إنَّ للوالی خاصه و بطانه، فیهم استئثار و تطاول، و قلَّه إنصاف فی معامله، فأحسم مادَّة اولئک بقطع أسباب تلک الأحوال» (قطعه معنائی ۳۶) همچنین امام علی (ع) با استفاده از دو اسم اشاره «هولاء، اولئک» به دو قطبی بودن جامعه به لحاظ موقعیت اقتصادی گروه های مختلف اجتماعی اشاره دارد.

- تکرار

تکرار نیز یکی از عوامل انسجام متن به شمار می رود. از نظر روان شناسانه، تکرار یک مطلب در متن و ... اهمیت موضوع را نشان می دهد که مؤلف متن خواهان انتقال آن به مخاطب است و یا وقتی که مؤلف متن می خواهد مطلبی را برجسته سازی کند و یا آن را مهم جلوه دهد از واژگان تکراری، پیوسته و پشت سر هم استفاده می کند مانند: «ثم الله الله فی طبقه السفلی من الذین لا حیلہ لهم و من المساکین و المحتاجین و أهل البؤسی و الزمینی فإنَّ فی هذه الطبقة قانعا و معترا» (قطعه معنائی ۲۸) و یا ضمیر جمع مذکر غایب «هَم» برای عامه مردم در سراسر متن بسیار تکرار شده است که نشان می دهد امام علی (ع) توجه و اهتمام فوق العاده ای به عامه مردم دارد.

- هم آوایی

یکی دیگر از عوامل انسجام بخش در متن هم آوایی است. «منظور از هم آوایی یا به هم مربوط بودن، عناصر واژگانی معینی در چارچوب موضوع یک متن است که منجر به پیدایش ارتباط بین جمله های آن متن می شود» (آقا گل زاده، ۱۳۹۰: ۱۰۸). در این نامه سیاسی امام علی (ع) از کلماتی استفاده کرده که مخاطب با کاربرد آنها آشنا بوده است. مجموعه واژگانی در این نامه شامل کلماتی است که در چارچوب مفاهیم دینی و ایدئولوژیکی قرار دارد، مانند: «أوسطها فی الحق، و أعمها فی العدل، و أجمعها لرضی

الرعيه» (قطعه معنایی ۳۵)، «اللّٰه الله في الطبقة السفلى، واحفظ لله ما استحفظك من حقّه فيهم» (قطعه معنایی ۲۸)، «أعلاكم أسفلكم، وليسبقن سباقون كانوا قَصْرًا، وليقصرن، سباقون كانوا سبقوا» (قطعه معنایی ۳۴)، «وإنما عمادالدين وجماع المسلمين و العده للأعداء العامه من الامه فليكن صغوك لهم و ميلك معهم» (قطعه معنایی ۳۸). استفاده از این مجموعه کلمات را می‌توان از کاربردهای هم‌آوایی در این نامه دانست.

۳. تفسیر متن

در ابتدای امر مناسبت دارد تا به بازسازی فرایند تولید متن توسط امام علی (ع)، پرداخته شود. گام اول تحلیل بافت موقعیتی متن است. نوع کنش نوشته‌ای است در قالب یک نامه رسمی که نویسنده و مخاطب را که می‌تواند خواننده یا شنونده آن باشد در بر می‌گیرد. مخاطبانی که آن را از طریق مستقیم در حضور ایشان و یا از طریق غیرمستقیم و در مکانهای جغرافیایی مختلف، دریافت کرده‌اند. لذا مخاطب نامه ۵۳ حاکمان سیاسی و عامه مردم است که ترکیبی متنوع از حیث سیاسی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. در این نامه به قشر بندی دو گانه محرومان و خواص توجه شده است. خواص، یا همان گروه اقلیتی که بر منابع و دارایی‌های جامعه مسلط هستند (قطعه معنایی ۳۶) و نیز حاکمانی که تحت تأثیر خویشاوندان و نزدیکان قرار دارند (قطعه معنایی ۳۶). در این قطعات معنایی به شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که میراث دوران خلفای دوم و سوم بود، اشاره می‌کند (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۴۱-۴۳؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۲ / ۳۳۱-۳۳۵). خلیفه دوم عمر بن خطاب بر اساس تقدم در اسلام و سوابق خدمتی اشخاص، طبقه بندی را نهادینه می‌کرد؛ بدین معنا که افرادی را بدون تلاش به جای خدمات پیشین از امتیازات ویژه‌ای بهره‌مند می‌نمود. خلیفه سوم عثمان بن عفان هم با تکیه بر همین سنت نامه‌ای به سعید والی کوفه نوشت با این مضمون:

اما بعد، ففضل أهل السابقه والقدمه ممن فتح الله عليه تلك البلاد، وليكن نزلها بسسبهم تبعاً لهم، إلا أن يكون تناقلوا عن الحق، و تركوا القيام به و قام به هؤلاء، وأحفظ لكل منزله، و أعطهم جميعاً بقسطهم في الحق، فإن المعرفة بالناس بها يصاب العدل (الطبري، بی تا: ۵/ ۲۷۹).

تحلیل گفتمان انتقادی عدالت توزیعی ... (مجتبی گراوند و دیگران) ۳۰۷

مضمون این نامه به تقدم در اسلام، شایستگی اشخاص به تشخیص خلیفه تأکید می کند. خلیفه سوم همچنین زمین ها را به نزدیکان خویش (بنی امیه) به عنوان صله رحم و بدون ملاحظه سابقه جهاد تقطیع می کرد (ابن اَبی الحدید، ۱۳۸۷ه.ق: ۱۳/۱۹). در دوره خلافت وی ثروت جامعه تنها در دست اشراف اموی در گردش بود و این مطلب در گزارش های مورخان به وضوح منعکس شده است:

كان عثمان قد قسم ماله و أرضه فی بنی امیه، و جعل ولده كبعض من يعطی، فبدأ ببنی اَبی العاص، فأعطی آل الحكم رجالهم عشرة آلاف، عشرة آلاف، فأخذوا مائة ألف، و أعطی بنی عثمان مثل ذلك، و قسم فی بنی العاص و بنی العيص و بنی حرب، و لانت حاشیه عثمان لأولئك الطوائف، وأبی المسلمون إلا قتلهم، و أبی إلا تركهم، فذهبوا ورجعوا إلی بلادهم علی أن يغزوه مع الحجاج كالحجاج (الطبری، بی تا: ۵/۳۴۸).

بر مبنای متن نامه ۵۳، می توان گفت که هدف امام علی (ع) برخلاف خلفای پیش از خود، برجسته کردن «منفعت همگانی» و به حاشیه راندن ساختار و گفتمان مرسوم جامعه بود که مبتنی بر مصلحت خصوصی و اشراف سالاری بود. در منطق گفتمان امام علی (ع)، حکمران و فرمانروا، نگهبان حقوق مردم و مسئول در برابر آنهاست: «حاکم نگهبان خدا در روی زمین اوست» (نامه ۵۳) همچنین واژه های «راعی» و «رعیت» در متن نامه مکرر به کار رفته است که نشان می دهد که حاکم باید نگهبان مردم باشد. با تحلیل این متن پنج روش مختلف برای توزیع متناسب ارائه شده است که در همه آنها هدف اصلی فراگیر شدن عدالت یا به تعبیر دیگر نفع همگانی است.

۱.۳ شناسائی موقعیت اجتماعی سرشاخه ها و سطوح مختلف معیشتی

مولد متن برای توزیع متناسب، جمعیت جامعه را به هفت گروه تقسیم کرده است (قطعه معنایی ۱۲) و موقعیت اجتماعی، اقتصادی هر یک را از نابرخوردار به برخوردار تعریف و نیازمند بودن آنها را به همدیگر بیان می کند (قطعه معنایی ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳)؛ در عدالت توزیعی نخستین و اساسی ترین گام برای توزیع عادلانه، باید شناسائی گروه های جمعیتی برخوردار و نابرخوردار باشد. زیرا با این روش سطوح مختلف معیشتی شناسائی می شود و با توزیع ثروت و درآمد در سطوح پائین جامعه موقعیت های اجتماعی، اقتصادی به سود

آنها تغییر می‌کند. او با تقسیم جمعیت به گروه‌های مختلف، بر آن بوده است تا نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی در همه موقعیت‌های مرتبط به سود افراد شاخص تغییر دهد؛ چنانکه در متن آمده طبقات جامعه از برخوردارترین آنها (تجار و بازرگانان) تا نابرخوردارترین (مساکین و فقرا) تقسیم می‌شود. در این دسته بندی سطح توزیع از کمترین به بیشترین است یعنی خواص و ثروتمندان که اقلیت جامعه هستند منابع کمتر و فقرا که آخرین دسته هستند بیشترین منابع را دریافت کنند.

متن مورد بحث سرشاخه‌های توزیع را به این ترتیب معرفی می‌کند: [نظامیان، نویسندگان، قضات دادرس، کارگردانان، جزیه دهندگان اهل ذمه و خراج دهندگان مسلمان، سوداگران و صنعتگران، نیازمندان] (قطعه معنایی ۱۲). در خصوص این طبقه بندی توضیح دو نکته ضرورت دارد؛ اول آنکه شکل گیری طبقات در طول تاریخ همواره در متون دینی و غیردینی مورد توجه بوده است و منحصر به دوره اسلام نیست. حتی در دوران‌های اولیه طبقات جامعه بنابر باورهای اساطیری از اعضاء بدن فردی اساطیری صورت می‌گرفت. بعدها تقسیم این طبقات در دوران تاریخی و باستانی هم شکل گرفت و تقریباً در تاریخ همه ملل و اقوام غالب جامعه را این طبقات تشکیل می‌دادند (کشاورزان، نظامیان، صنعتگران، دبیران، گروه‌های فرودست) (وندیداد، ۱۳۷۶: ۱۲/۶۳۸-۶۳۹). دوم آنکه برخلاف مکاتب دیگر، اسلام وجود طبقات را امری ضروری و لازمه حیات و استمرار اجتماع انسانی می‌داند و طبقات اجتماعی صبغه و جنبه الهی دارند؛ بدین معنا که خداوند برای هر طبقه ای حقوق و سهمی مشخص کرده است و مولد متن به طور بینامتنی به آن اشاره کرده است (قطعه معنایی ۵۰۶) که به متن غایب یعنی آیه (۳۲/زخرف) قرآن ارجاع می‌دهد و تعیین سهم گروه‌های اجتماعی متفرع بر وجود طبقات است که به خوبی در نحوه توزیع سهم در متن نامه نمود یافته است. مولد متن در (قطعه معنایی ۱۴) موقعیت اجتماعی - اقتصادی نظامیان را بیان کرده است که حیات رعیت به وجود این گروه وابسته است و از لحاظ اقتصادی آنها نیازمند خراج دهندگانند. زیرا وجود نظامیان باعث حفظ اقتدار سیاسی - نظامی می‌شود (البلاذری، ۱۹۸۸م: ۳۳۶) و چون کل امور زندگی این طبقه صرف دفاع از سایر طبقات می‌شد، علی (ع) این گروه را نه تنها از پرداخت جزیه و... معاف کردند (قاسم بن سلام، ۱۴۰۶ه.ق: ۲۳۱) و خراج دهندگان که اغلب کشاورزان بودند را به تأمین نیاز نظامیان مکلف می‌کند زیرا اینها از گروه‌های مولد جامعه بودند (دنت، بی تا، ۷). و این دو گروه هم نیازمند گروه سوم یعنی قضات، کارگردانان و نویسندگان و همه آنها به صنعتگران و

سوداگران (قطعه معنایی ۱۶) می داند؛ زیرا طبقه نویسندگان، قضات و مأموران مالیاتی معمولاً به اداره نهادهای دیوانی و رسیدگی به امور سایرین می پرداختند و از نزدیک ترین گروه ها به خلفا محسوب می شدند (ابن عبدربه، ۱۴۱۱ه.ق: ۴/ ۲۶۱؛ القاضی ابویوسف، ۱۳۰۲ه.ق: ۴۵۰). مولد متن به پرداخت حقوق این طبقه تأکید می کند زیرا عدم توجه کافی به آن ها اختلال در امور و رشد مفاسدی چون ارتشا، خیانت و ... را به دنبال داشت. و سپس پائین ترین این گروه ها به لحاظ اجتماعی، اقتصادی نیازمندان هستند که سزاوار یاری شدن از سوی برخورداران همچون صنعتگران و سوداگران هستند (قطعه معنایی ۱۲، ۳۱)؛ زیرا صنعتگران و بازرگانان از نظر اقتصادی وضعیت مناسب تری نسبت به سایر طبقات داشتند. بنابراین علی (ع)، جوهری با عنوان عوارض گمرکی، مالیات مکس (فروش کالا) و عشریه از بازرگانان ذمی و مسلمان دریافت می کرد. (القاضی ابویوسف، ۱۳۰۲ه.ق: ۱۳۵). همچنین صنعتگران هم ابزارهای مورد نیاز نظامیان را فراهم می کردند (یعقوبی، ۱۴۱۳ه.ق: ۲/ ۴۲) و هم مالیات حرفه و صنعت خود و زکات را به دولت می پرداختند (مسعودی، ۱۴۰۹ه.ق: ۳/ ۱۲۱). این مقادیر به بیت المال تحویل داده می شد و توسط علی (ع) در میان طبقات فرودست که غالباً فقرا و مساکین، اسیران، کنیزان، غلامانی بودند که در جنگ ها به اسارت درآمده بودند (قاسم بن سلام، ۱۴۰۶ه.ق: ۱۴۹-۱۵۳؛ ابن اعثم کوفی ۱۴۱۱ه.ق: ۷۸۴). علی (ع) همچنین زمین های فتح شده ایران را به فقرا و مساکین اختصاص داد (بلاذری، ۱۹۸۸م: ۲۶۹، ۱۸۶، ۱۸۵). زیرا با این روش، از ثروت و درآمد گروه های برخوردار آنقدر کاسته نمی شود که موجب متضرر شدن آنها گردد و از طرف دیگر باعث افزایش ثروت و درآمد سطوح پائین می شود زیرا اصل برابری در عدالت توزیعی اشعار می دارد که به منظور رفتار برابر با همه اشخاص، جامعه باید توجه بیشتر به کسانی داشته باشد که مواهب زیستی آنها کمتر است. از مقایسه ای که میان هفت گروه صورت گرفته و نیز مناسبات دستوری متن به نحوی است که گروه های نابرخوردار جامعه را در مرکز گفتمان قرار می دهد (قطعه معنایی ۳۱). برای توضیح بیشتر مقوله بعدی که در مورد آن بحث می شود هم با این نکته بی ارتباط نیست.

۲.۳ افزایش توزیع مقداری ثروت و درآمد در سطوح پائین و کاهش آن در سطوح بالای اجتماع

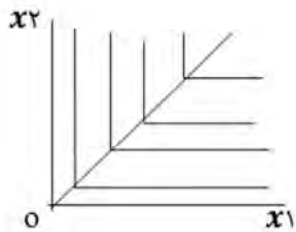
حمایت و توجه به نیازمندان و زیر دستان در کانون گفتمان متن نامه قرار می‌گیرد: «از خدا بترس، از خدا بترس درباره دسته زیردستان» (قطعه معنایی ۲۸). دو نکته در این قطعه وجود دارد: به جامعه ای سستی و قشربندی اشاره دارد که ترقی اجتماعی برای همگان وجود ندارد. از طرفی بیانگر حق همگانی دانستن توزیع امکانات اولیه و سهم شدن گروه های نابرخوردار در منافع این توزیع است: «إن الله فرض فی مال الأغنیاء أقوات الفقراء: فما جاع فقیر إلا بما متع به غنی والله سائلهم عن ذلك»؛ یعنی همانا خدای سبحان روزی فقرا را در اموال سرمایه داران قرار داده است پس فقیری گرسنه نمی ماند جز به کامیابی توانگران و خداوند از آنان درباره گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید» (قطعه معنایی ۲۸). این امر زمانی محقق خواهد شد که حقی را که خداوند از نابرخورداران در دارایی برخوردارها قرار داده است (سوره النور، آیه ۳۳) به آنان بازگردانده شود (قطعه معنایی ۱۲) تا سطح معیشتی نابرخوردارها به گروه های برخوردار نزدیک شود.

۳.۳ توزیع بر مبنای ارزش های دینی و ایدئولوژیکی

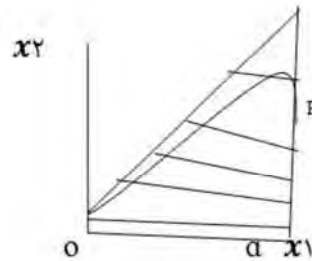
گفتمان عدالت توزیعی و منفعت همگانی در جایگاه گفتمان غالب قرار دارد (قطعه معنایی ۵، ۶، ۷، ۸). مدل توزیعی ثروت و درآمد بر مبنای معیارهای قرآن و سنت رسول خدا (ص) است (قطعه معنایی ۵). این گفتمان تلاش می کند با استفاده از ارزش های دینی و ایدئولوژیکی به تقویت و نهادینه کردن گفتمان عدالت توزیعی در راستای مساوات اجتماعی بپردازد.

۴.۳ توجه به منفعت همگانی

ایده کانونی این مقوله مفهوم عدالت توزیعی و منفعت همگانی را بیان می کند. در نظریه «عدالت توزیعی» دغدغه تقسیم عادلانه مزایا به عنوان یک سیاست کلی در جامعه است (راولز، ۱۳۹۰: ۳۹۲-۳۹۳). منحنی های ترسیم شده در واقع از خطوط افقی و عمودی ساخته می شوند که در گوشه های راست در زاویه ۴۵ درجه با یکدیگر تلاقی می کنند.



نمودار شماره ۱



نمودار شماره ۲

فرض کنید که x_1 ثروتمندترین فرد شاخص است. وقتی ثروت وی افزایش یابد ثروت x_2 یعنی نابرخوردارها نیز افزایش می یابد. در نمودار ۲ منحنی po سهم ثروت x_2 که حاصل افزایش ثروت x_1 است نشان می دهد. نقطه o وضع فرضی ای را نشان می دهد که در آن همه ثروت به نحو برابر توزیع می شوند. اکنون منحنی po همواره زیر خط ۴۵ درجه است، زیرا x_1 همواره در موقعیت بهتر است. پس در این حالت (نمودار ۱) انتظارات داراها، دست کم در (رفاه) ندارها نقش دارد؛ یعنی اگر انتظارات آنها کاهش یابد، چشم اندازها و توقع نادرترین ها نیز کاهش خواهد یافت. لذا همانطور که در قطعه معنایی هم گفته شد (اوسطها) یعنی حد وسط باید رعایت گردد و در این صورت است که همگان منتفع می شوند. در نامه ۵۳، توزیع ثروت و درآمد باید به سود همگان باشد و امام علی (ع) به حاکمان هشدار می دهد که حقی که به عامه مردم اختصاص دارد به خواص واگذار نکنند (قطعه معنایی ۳۶) و از دادن امتیاز به نزدیکانشان بر حذر می دارد (قطعه معنایی ۳۶). این دو قطعه معنایی به زمینه تاریخی که متعلق به دوره خلافت خلیفه سوم عثمان بن عفان است اشاره می کند. بافت بینامتنی مستلزم این است که به گفتمان های متون از دریچه چشم انداز تاریخی نگریسته شود (فرکلاف، ۱۳۸۹: ۲۳۰-۲۳۵). عثمان ثروت بیکران و زندگی مجللی در مدینه داشت. او حق خود می دانست که از قدرت و ثروت خلافت بنا به خواست خود آزادانه استفاده کند (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲/ ۶۶؛ ذهبی، ۱۳۶۷: ۸-۹). به عنوان نمونه صد هزار درهم به عموزاده خود سعید بن عاص (بالاذری، ۱۹۵۴: ۵-۲۸) و خمس غنایم افریقیه را به پسر عمویش مروان بن حکم بخشید (ذهبی،

۱۳۶۷: ۷/ ۴۲۰؛ محمد بن سعد، ۱۹۰۵-۱۹۴۰: ۳/ ۴۴). آبادی فدک و ملکی در مهزور را به ترتیب به مروان بن حکم و برادر او حارث به اقطاع داد (ابن قتیبه دینوری، ۱۹۶۹: ۱۶۹). امارت شام را به معاویه بن ابی سفیان اعطاء کرد (طبری، ۱۳۷۵: ۵/ ۱۲۴۰). ملک نشاستج در نزدیک کوفه را به طلحه واگذار کرد (یاقوت حموی، ۱۹۶۶-۱۹۷۳: ۴/ ۷۸۳). از اینرو امام علی (ع) توصیه و تأکید می‌کند که نباید به نزدیکان کارگزاران اجازه دست‌درازی و سوء استفاده از بیت‌المال را داد.

۵.۳ توزیع ثروت و درآمد بر مبنای استحقاق و کار و تلاش

درآمد و ثروت بر پایه استحقاق و کار و رنج هرکس برای خودش است (قطعه معنایی ۲۱، ۲۲، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷). کسانی که توانایی‌ها و مهارت‌های مشابه دارند باید از فرصت برابر برای زندگی برخوردار باشند. انتظارات کسانی که توانایی‌ها و آرمان‌های یکسان دارند نباید تحت تأثیر طبقه اجتماعی آن‌ها واقع شود. چنانکه در متن‌نامه بر این نکته تأکید می‌کند: «باید بزرگی کسی تو را بر آن ندارد که رنج و کار کوچک او را بزرگ شماری، و فرودستی کسی تو را وادار نسازد که رنج و کار بزرگش را کوچک پنداری» (قطعه معنایی ۲۰). وظیفه رهبران و حاکمان سیاسی این است که زمینه‌های فرصت برابر در اجتماع را جهت شکوفایی استعدادها فراهم کنند و مانع رانت و انحصارگرایی باشند.

۶.۳ انتقال مالیات به بخش عمومی

دریافت صحیح و عادلانه مالیات از محورهای مهم‌نامه ۵۳ است. در مالیات بندی باید توان نسبی مالیات دهندگان هم در نظر گرفته شود (قطعه معنایی ۲۳) یعنی برحسب آبادانی و افزایش درآمد مالیات دهندگان باشد (قطعه معنایی ۲۶) در غیر این صورت باید به آنها تخفیف داده شود (قطعه معنایی ۲۷). مالیاتی را که امام علی (ع) بر زمین‌ها مقرر کرده بود تابع این اصل بود. زیرا از نظر عدالت علوی صحیح نبود که از اراضی کم حاصل همان مالیات گرفته شود که از اراضی حاصلخیز گرفته می‌شد. در کتاب فتوح البلدان آمده است: «علی (ع) فرمان داد که ممیزی اراضی گندم خیز خوب بر اساس جریبی یک دوم درهم و ممیزی اراضی کم حاصل بر اساس جریبی یک سوم درهم به عمل آید. نیز مقرر نمود که از تاکستانها فقط در صورتی مالیات گرفته شود که تاک آنها حداقل سه ساله باشد (بلاذری،

۱۸۶۹: ۲۶۶-۲۶۷). گذشته از این نرخ ممیزی به نسبت دوری و نزدیکی زمین از منشأ آب و از بازار فروش نیز تغییر می کرد (بلاذری، ۱۸۶۹: ۲۶۶-۲۷۶). منابعی که از آنجا دریافت می شود باید به حکومت واگذار شوند تا بتوانند کالاهای عمومی، منفعت و رفاه همگان را تأمین کند. زیرا این مردم هستند که هزینه خوار مالیات هستند (قطعه معنایی ۲۵).

۴. توجه به رضایت و منفعت همگانی: تبیین متن

از نظر فرکلاف مرحله تبیین، سومین و آخرین سطح تحلیل گفتمان است. این سطح از تحلیل را فرکلاف تحلیل اجتماعی می نامد. در این سطح روابط بین اعمال گفتمانی و زمینه های اجتماعی، سیاسی و تاریخی متن تحلیل می شود. به عبارت دیگر در این سطح تحلیلی، متن به منزله یک گفتمان بخشی از فرایندهای تولید و تفسیر گفتمان و همچنین یک عمل اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. از آنجایی که استقرار عدالت نوعی تغییر، گسست و یک زمینه بازساختن است؛ گسست از تبعیض های گذشته و پیوند با وضعیت نوینی که ایده ال گفتمان عدالت بوده، این امر موجب تمایز فضای جامعه عادل از فضای پیش از خود می گردد که همه چیز را تحت تأثیر خود قرار داده و تغییری که می دهد در این فضا، نظم جدید متولد می شود.

به همین ترتیب عدالت توزیعی امام علی (ع) نیز موجب شد تا نظم گفتمانی نوینی شکل بگیرد. باید توجه داشت که فضای اجتماعی آن زمان تحت رقابت سه گفتمان متفاوت در باب توزیع ثروت و درآمد بود: ۱- گفتمان تفضیل که از زمان خلیفه دوم عمر بن خطاب بود. تصویری که عمر از سابقه داشت در ایجاد دیوان سپاه برای تقسیم عایدات سرزمین های فتح شده در بین مسلمانان بازتاب یافته بود. او تأکید می ورزید که نمی تواند کسانی را که در کنار محمد (ص) جنگیده اند با کسانی که علیه او جنگیده اند برابر نهد (ذهبی، ۱۳۶۷: ۴/ ۳۸۵-۳۹۱). بدین ترتیب، بیشترین حقوق را به کسانی می داد که در جنگ بدر جنگیده بودند و کسانی که در مراحل بعدی به اسلام گرویده و در راه آن جنگ کرده بودند بتدریج مبالغ کمتری دریافت می داشتند. تنها برای خویشاوندان محمد (ص) استثناهایی در نظر گرفته شده بود. همسران محمد (ص) دو برابر رزمندگان بدر حقوق می گرفتند و عباس، عموی محمد (ص) که وارث زنده او شمرده می شد، به اندازه همسران آن حضرت حقوق می گرفت. سهم نوادگان محمد (ص) یعنی حسن (ع) و حسین (ع) هم به

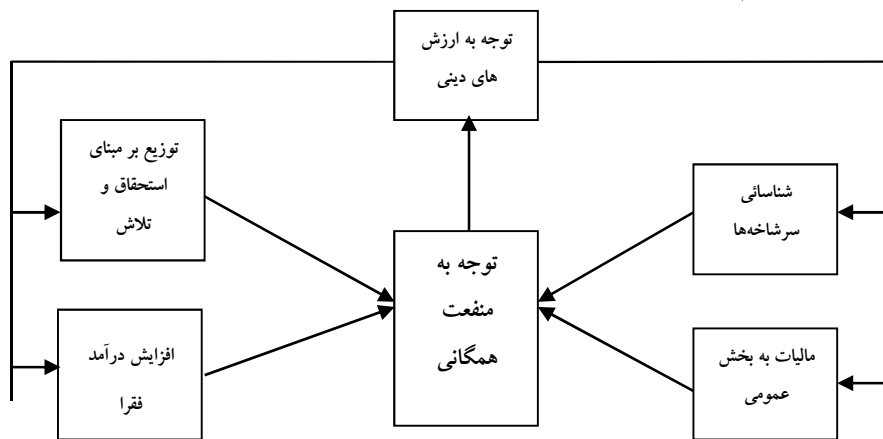
سبب پاسداشت حقوق فاطمه (س) افزایش یافت (همان) ۲- گفتمان سلطنت استبدادی سنتی بود که عثمان بن عفان خلیفه سوم، آن را شکل داد. او تفضیل (امتیازدهی بر مبنای سابقه) را که مبنای خلافت بود کاملاً کنار زد و خلافت را به سلطنت استبدادی سنتی و اشراف سالاری و خویشاوند سالاری (امتیازدهی بر مبنای روابط خویشاوندی و نه سابقه) تبدیل کرد که موجب نارضایتی صحابه برجسته عضو شورا و فاصله گرفتن از خلیفه سوم و نیز شورش مردم شهرهایی همچون کوفه، بصره، مصر و... بر ضد اقدامات تبعیض آمیز خلیفه سوم بود.

۳- گفتمان عدالت در توزیع ثروت و درآمد و برابری و توجه به مصلحت عمومی جامعه بود که توسط امام علی (ع) مطرح شد که مبتنی بر معیارهای کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) بود. از منظر گفتمان اخیر، منفعت و رضایت همگانی (دال مرکزی گفتمان عدالت توزیعی) مشروعیت دارد.

گفتمان امام علی (ع)، گفتمانی است که در منازعه و رقابت گفتمان های مزبور در جایگاه فرادستی قرار گرفت و آن ها را به حاشیه راند. ساختار حاکم بر جامعه در دو بازه زمانی یعنی خلفای دوم و سوم خود عاملی برای شکل گیری گفتمان موجود بود. آن حضرت (ع) روش تفضیل (گفتمان اول) را رد نمود و با نکوهش اشراف سالاری و خویشاوند سالاری (گفتمان دوم)، به گفتمان عدالت توزیعی بر مبنای منفعت همگانی و توجه به گروه نابرخوردار جامعه پرداخت گرچه با مقاومت و مخالفت برخی اشراف مواجه گردید. در مجموع آنچه به عنوان یک منازعه درون متنی جاری است جبهه گیری در مقابل هرگونه (خویشاوندسالاری، اشراف سالاری، تبعیض) است (قطعه معنایی ۳۶).

متن نامه حاوی عبارات و واژگان بسیار زیادی است که دارای معنای ایدئولوژیک هستند به طور نمونه مولد متن مال و ثروت را با استناد به کتاب خدا، متعلق به همگان می دانست و نه خواص (قطعه ۳۵) که به متن غایب یعنی آیات (۱۰/اعراف و ۲۹/بقره) اشاره می کند. وی مبنای تقسیم بندی و توزیع را از قرآن الگو گرفته است (قد سمی الله له سهم: قطعه ۵) که به متن غایب یعنی آیه (۳۲/زخرف: نحن قسمنا بینهم معیشتهم... ارجاع می دهد. همچنین در تأکید بر طبقه فرودست در (قطعه ۲۸) به طور بینامتنی به آیه (۶۰/توبه) اشاره می کند و در قطعات معنایی (۱۰ و ۱۱) که بیان می کند برخی طبقات غنی نمی شوند مگر با کمک طبقات دیگر، به طور بینامتنی به آیه (۱۹/ذاریات: و فی أموالهم حق للسائل والمحروم؛

در اموال ثروتمندان حقی برای محرومان وجود دارد) ارجاع می دهد. و در مجموع روش خود را برگرفته از قرآن و سنت پیامبر(ص) می داند(قطعه ۶). این عبارت های به کار رفته در متن رابطه بینامتنی و ایدئولوژی مذهبی مولد متن را آشکار می سازد و بیان می کند که این متن بی طرف نیست بلکه به موقعیتی خاص یعنی(سنت پیامبر(ص) و قرآن) وابسته است(قطعه معنایی ۶) و استفاده از این عبارت ها توسط مولد عامدانه بوده است تا نظام باورها و تحلیل اجتماعی کنشگران را سامان دهی کند و ذهنیت کنشگران حاضر در رویداد را در جهت حمایت از گروه های ستم دیده که در اکثریت هستند، سوق دهد. در قطعه معنایی(۳۳ و ۳۴) که بیان می کند طبقات بالا به پایین و طبقات پایین به بالا جایگزین شوند دارای معنای ایدئولوژیکی است و با این عبارت حافظه تاریخی کنشگران را به زمان پیامبر(ص) فرا می خواند که طبقات فرودست(سلمان، بلال، ابوذر، عمار و...) را با اشراف برابر نمودند و از این عبارت های ایدئولوژیک در راستای توجیه قدرت و صبغه دینی بخشیدن به گفتمان خود و آشکار کردن روابط نابرابر قدرت استفاده می کند. از این رو این گفتمان مملو از دلالت های ضمنی، صریح و ناگفته های بسیار بر نقد و طرد گفتمان اشراف سالاری و تفضیل است و خود را به دال برتر تبدیل کرد. این گفتمان ساختار قدرتی را تولید کرد که به تثبیت جایگاه نابرخوردارها و به نفع عامه مردم انجامید. در وضعیت جدید، گفتمان برابری و عدالت توزیعی نظمی جدید به خود گرفت تا بتواند در ساخت نوین اجتماعی به تداوم قدرت کمک کند.



نمودار شماره ۲: مدل نظری عدالت توزیعی علی بن ابیطالب(ع)

۵. نتیجه‌گیری

تحلیل گفتمان از رویکردهای متنوعی برخوردار است؛ در این میان تحلیل گفتمان انتقادی رویکردی است که برخی خلأهای نظری تحلیل گفتمان توصیفی را می‌پوشاند. در تحلیل انتقادی این پرسش که چگونه گفتمان به طور فزاینده در بازتولید ساختارهای کلان دخیل است، در مرکز جستجوهای تبیینی قرار دارد. تحلیل گفتمان انتقادی در بررسی پدیده‌های زبانی و اعمال گفتمانی به فرایندهای ایدئولوژیک در گفتمان، روابط بین زبان، قدرت و ایدئولوژی، سلطه و قدرت و پیش فرض‌های دارای بار ایدئولوژیک در گفتمان که موجد تولید و بازتولید قدرت و سلطه و نابرابری می‌گردد توجه می‌کند و عناصر زبانی و غیرزبانی را به همراه دانش زمینه‌ای کنشگران هدف موضوع قرار می‌دهد.

این مقاله با توجه به روش فرکلاف در سه بخش توصیف، تفسیر و تبیین به بررسی گفتمان برابری در توزیع ثروت و درآمد (عدالت توزیعی) پرداخت. در مرحله نخست یعنی توصیف متن، پژوهشگر به آشکارسازی گزاره‌ها و مواضع ایدئولوژیک متن دست یافت؛ متن برخاسته از ایدئولوژی مبتنی بر معیارهای کتاب خدا و سنت محمد (ص) بود که بنیان ایدئولوژی برابری و عدالت توزیعی را هم شکل می‌داد. در مرحله دوم یعنی تفسیر، تعامل بین متن و بافت و در مرحله سوم یعنی تبیین به تأثیر دو سویه ساختارها بر گفتمان و گفتمان بر ساختارها پرداخته شد. در مجموع، واکاوی معنایی این گفتمان نشان داد گفتمان برابری (عدالت توزیعی) امام علی (ع) در راستای بازتولید ساختار قدرت جدید مبتنی بر معیارهای دینی یعنی کتاب خدا و سنت محمد (ص) بود. همچنین تثبیت جایگاه برتر و رقابت در برابر گفتمان‌های رقیب، باعث شد تا این گفتمان وجوه برابری را در مقابل نابرابری به گفتمان پیروز تبدیل کند. در نهایت می‌توان گفت گفتمان عدالت توزیعی امام علی (ع) به دنبال ارائه مدلی از عدالت توزیعی مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی است که با تأکید بر معیارها و ارزش‌های دینی برای جامعه باشد و بتواند جایگاه هژمون را پیدا کند. بر اساس تحلیل قطعات معنایی متن مدل توزیعی به دست آمده شامل ۵ شیوه مختلف است که ایده کانونی در همه این روش‌ها منفعت همگانی است که عبارتند از: نخستین و مهمترین روش برای توزیع متناسب ثروت و درآمد تعریف موقعیت اجتماعی سرشاخه‌ها یا سطوح مختلف بهزیستی است که امام علی (ع) برای این امر گروه‌های مختلف جامعه را شناسایی و به هفت گروه تقسیم کردند و سپس نابرخوردارترین گروه را مشخص نمودند و

برای نزدیک کردن سطح بهزیستی این گروه به سایر گروه ها، همچنین توجه بیشتر به این گروه نسبت به سایرین بر اساس افزایش توزیع درآمد و ثروت در سطوح پائین اجتماع اقدام کردند. روش دوم برای توزیع متناسب کاهش توزیع مقدراری درآمد در سطوح بالا البته به میزان متوسط و توزیع اضافه آن در میان عامه مردم و ایجاد رضایت همگانی که همان هدف اصلی عدالت توزیعی است. روش سوم توزیع به میزان تلاش و استحقاق افراد و یا جبران و بازتوزیع درآمد و ثروت از طریق توزیع مجدد دارایی ها بود و روش چهارم برای توزیع متناسب و معقول، انتقال مالیات ها به بخش عمومی و آخر اینکه توزیع ثروت و درآمد بر مبنای ارزش های دینی و ایدئولوژیک و توجه به نفع همگانی بود.

در مجموع می توان گفت استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی در تحلیل و واکاوی معنایی نامه ۵۳ نهج البلاغه به عنوان متنی تاریخی، این دستاورد را به همراه دارد که نشان می دهد آن متن خنثی نیست و نه تنها خود را از لحاظ سیاسی بی طرف نمی داند، بلکه دیدگاهی کاملاً انتقادی دارد که از لحاظ سیاسی متعهد به ایجاد تغییرات اجتماعی است و در جهت رهایی بخشی، از گروه های ستم دیده و مظلوم اجتماعی حمایت می کند و به دنبال پرده برداری از روابط نابرابر قدرت و تلاش برای ایجاد تغییرات اجتماعی اساسی است.

پی نوشت

۱. مکاتب سیوسیالیسم، سوداگری، کینز، نئولیبرالیسم، اصالت طبیعت.

کتاب نامه

قرآن کریم.

آقا گل زاده، فردوس، (۱۳۹۰)، تحلیل گفتمان انتقادی، تکوین تحلیل گفتمان در زبان شناسی، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.

ابن ابی الحدید، (۱۹۶۷م/۱۳۸۷ه.ق)، شرح نهج البلاغه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
ابن أعثم الکوفی، ابو محمد احمد، (۱۴۱۱ه.ق/۱۹۹۱م)، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء.

ابن درید، محمد بن حسن، (۱۹۸۸م)، جمهره اللغه، بیروت، دارالعلم للملأین.

- ابن سعد، محمد، (۱۹۰۵-۱۹۴۰)، الطبقات الكبرى، زاخاو و دیگران، ج ۳، لیدن.
- ابن سلام، ابی عبیدالقاسم، (۱۴۰۶ه.ق/۱۹۸۶م)، الأموال، تحقیق و تعلیق محمدخلیل هراس، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن عبدربه الآندلسی، (۱۴۱۱ه.ق/۱۹۹۱م)، عقدالفرد، قدم له ابراهیم الایاری، بیروت، دارالکتاب العربی.
- ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ه.ق)، معجم مقاییس اللغه، مصحح/محقق عبدالسلام محمدهارون، قم، مکتب الأعلام الاسلامی.
- ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، (۱۹۶۹)، المعارف، به کوشش ثروت عکاشه، القاهره: بی نا.
- ابن منظور، محمدبن مکرّم، (۱۴۱۴ه.ق)، لسان العرب، بیروت، دارصار.
- أزهری، محمدبن احمد، (۱۴۲۱ه.ق)، تهذیب اللغه، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- بستانی، فؤاد أفرام، (۱۳۷۵)، فرهنگ ابجدی، تهران، اسلامی.
- بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۹۵۹)، أنساب الأشراف، به اهتمام محمد حمیدالله، ج ۵، قاهره: بی نا.
- بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۸۶۹)، فتوح البلدان، به اهتمام دوخویه، لیدن.
- بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۹۸۸م)، فتوح البلدان، حقه و شرح عبدالله انیس الطباع، بیروت، دار و مکتبه الهلال.
- تقفی کوفی، أبواسحاق محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۵/۱۹۷۵)، الغارات، به اهتمام جلال الدین محدث ارموی، تهران: بی نا.
- دایره المعارف بزرگ اسلامی، (۱۳۷۵)، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۸، تهران: حیّان.
- دشتی، محمد. (۱۳۸۶). نهج البلاغه، قم: میراث ماندگار.
- دنت، دنیل، (بی تا)، مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، خوارزمی.
- ذهبی، شمس الدین أبو عبدالله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز، (۱۳۶۷/۱۹۴۸)، تاریخ الاسلام، ج ۴، ۷۸، قاهره: بی نا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴ه.ش)، مفردات ألفاظ قرآن، تهران، مرتضوی.
- راولز، جان، (۱۳۹۰)، نظریه عدالت، ترجمه سید محمد کمال سروریان، مرتضی بحرانی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ریکاردو، دیوید، (۱۳۷۴)، اصول اقتصاد سیاسی و مالیات ستانی، ترجمه حبیب الله تیموری، چاپ اول، تهران: نشر نی.

تحلیل گفتمان انتقادی عدالت توزیعی ... (مجتبی گراوند و دیگران) ۳۱۹

سلطانی، علی أصغر، (۱۳۸۰)، قدرت، گفتمان، زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: نشرنی.

طبری، محمد بن جریر، (۱۸۷۹-۱۹۰۱)، تاریخ الرسل والملوک، به اهتمام دوخویه، ج ۱، لیدن.
طبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۵)، تاریخ الرسل والملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۵، تهران: علمی - فرهنگی.

طبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۸/۱۹۶۷م)، تاریخ الامم والملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث.

طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵ه.ش)، مجمع البحرین، مصحح/محقق احمدحسین اشکوری، تهران، مرتضوی.

عیوضلو، حسین، (۱۳۸۴)، عدالت و کارائی در تطبیق با نظام اقتصادی اسلام، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق

فرکلاف، نورمن، (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.

القاضی ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم، (۱۳۰۲ه.ق)، کتاب الخراج، بیروت، دارالمعرفه.
مرتضی زبیدی، محمدبن محمد، (۱۴۱۴ه.ق)، تاج العروس من جواهرالقاموس، مصحح/محقق علی شیری، بیروت، دارالفکر.

مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین بن علی المسعودی، (۱۴۰۹)، مروج الذهب، تحقیق اسعد داغر، قم، دارالهجره.

وندیداد، (۱۳۷۶)، ترجمه هاشم رضی، تهران، نشر فکر روز.

ویدوسون، اچی جی، (۱۳۹۴)، تحلیل گفتمان، ترجمه کمال پارساکیا، تهران، ندای کارآفرین.
یاقوت حموی بغدادی، (۱۹۶۶-۱۹۷۳)، معجم البلدان، به اهتمام ووستنفلد، ج ۴، لایبزیک: بی نا.
یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن واضح الکاتب العباسی، (۱۳۷۱)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، ج ۲، تهران: علمی فرهنگی.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن واضح الکاتب العباسی، (۱۴۱۳ه.ق/۱۹۹۳م)، تاریخ الیعقوبی، تحقیق عبدالأمیر مهنا، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

یورگنسن، ماریان، فیلیس، لوئیز، (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، چاپ سوم، تهران: نشرنی.

مقالات

- امیری، علی نقی، (۱۳۹۴)، «مدیریت عمومی مبتنی بر نهج البلاغه (مورد مطالعه نامه ۵۳)»، فصلنامه مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره ۱۳، شماره ۳، ۹۲۴-۳۰۷.
- اولادقباد، بهاره، فتاحی زاده، فتحیه، مرضیه محمصص، (۱۳۹۹)، «ساختار تعاملاتی مدیریتی حاکمان از رهگذر محتوای نامه ۵۳ نهج البلاغه»، نشریه مطالعات قرآن و حدیث، شماره دوم، ۱۶۷-۱۹۲.
- تهرانی، ایمان، قنبری نیا علیار، مهدی الوانی، (۱۳۹۷)، «مدیریت اسلامی براساس اندیشه های امام علی (ع) استخراج الگوی مدیریتی براساس نامه ۵۳ کتاب نهج البلاغه»، نشریه مدیریت در اسلام، شماره ۳۷، ۵۹-۸۸.
- خان محمدی، کریم، (۱۳۷۹)، «قشریندی اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع)»، سال سوم، شماره ۱، ۱۵۰-۱۷۸.
- جبارلوی شبستری، بهرام، افخمی، حسین علی، (۱۳۸۹)، «رهنمودهای حاصل از عهدنامه مالک اشتر برای تنظیم خط مشی ارتباطی حکومت ها با شهروندان»، پژوهش نامه علوی، سال اول، شماره دوم، ۴۳-۵۷.
- صانع پور، مریم، (۱۳۹۴)، «نقش مبنایی عدل در امامت علوی»، پژوهش نامه علوی، سال ششم، شماره دوم، ۸۱-۱۰۰.
- علم الهدی، سجاد، (۱۳۹۵)، «روش شناسی اقتصاد اسلامی بر اساس عملکرد اقتصادی امام علی (ع)»، پژوهش نامه علوی، سال هفتم، شماره دوم، ۱۰۳ - ۱۳۲.
- هادی اصل، عبدالصمد، (۱۳۸۹)، «دسته بندی ها و طبقات مختلف جامعه از دیدگاه اسلام با تکیه بر نامه امام علی (ع) با مالک اشتر»، همایش منطقه ای علوم سیاسی و روابط بین المللی از دیدگاه اسلام، ۱-۱۷.

Fairclough, N (1989), *Language and Power*, London: Longman Group UK Limited.

Fairclough, N (1992 b), *Discourse and Social change*, Cambridge: Polity press.

Fairclough, N (1993), *Critical discourse analysis and the marketization of public discourse: the universities, discourse and society*, 4(2).

Fairclough, N (1995), *Critical discourse Analysis*, London: Longman.

Tornblom, K, Y&D, S, Jonsson (1985-1987), *Distribution retribution: The perceived Justice of the contribution and equality principles for cooperative and competitive relationship*. Acta sociological.

Vandijk, Deborah Tannen, and Heidi. E. Hamilton, (2001), *The Handbook of Discourse Analysis*, Blackwell. Publishers Ltd. H.G, Widdowson (1394), *Discourse Analysis*, Oxford: University press.